



نقش برجسته صخره‌ای اشکفت گل گل: یادگاری از هنر حجاری آشور

جدید

خداکرم مظاهری*

چکیده:

تمدن آشور یکی از مهمترین تمدنهای بین‌النهرین به شمار می‌رود که با تلاش باستان‌شناسان، زبان‌شناسان، مورخین تاریخ هنر و ... زوایای گوناگون هنر و تمدن ایندوره شناخته شده است. در میان هنرهای متعدد برجای مانده از این تمدن، هنر حجاری و نقش برجسته سازی روی سنگ از اهمیت بسیار والایی برخوردار است که کشف ده‌ها استل و نقش برجسته متعلق به ایندوره گویای این موضوع است.

در طی بررسی‌های باستان‌شناسی سال ۱۳۵۱، پرفسور لوئی واندنبرگ در منطقه پشت‌کوه مرکزی لرستان بزرگ که امروزه جزء استان ایلام محسوب می‌گردد، در محلی به نام اشکفت گل موفق به کشف نقش برجسته‌ای صخره‌ای متعلق به دوره آشور جدید گردید که حاوی اطلاعات و جزئیات مهم هنری، مذهبی، ادبی و سیاسی مربوط به ایندوره می‌باشد. مقاله حاضر به معرفی اثر مذکور و بررسی نتایج مطالعات و تحقیقاتی را که در مورد آن انجام گرفته می‌پردازد.

کلید واژگان: آشور جدید، اشکفت گل گل، نقش برجسته صخره‌ای، ایلام.

* عضو هیئت علمی (مربی) گروه باستان‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ایلام .

مقدمه:

لرستان نیز می‌شود، به نام پیشکوه معروف است. پشتکوه و ناهمواریهای آن مشرف به جلگه بین‌النهرین است. این تقسیم‌بندی که لر کوچک یا لرستان فعلی را به دو قسمت پشتکوه و پیشکوه تقسیم می‌کند مربوط به زمان صفویه است (نهبجیری، ۱۳۷۰: ۲۹۳). موضوع خاصی که در بررسی آثار هزاره اول ق.م. منطقه پشتکوه قابل ذکر است، تنوع زیاد فرهنگهایی است که بنظر می‌رسد در طول عصر آهن در منطقه پشتکوه همزیستی مسالمت‌آمیز داشته‌اند. بدون شک این وضعیت از تأثیرات فرهنگی مختلف و فراوانی گرفته شده که در ایندوره غرب ایران را دربر گرفته است. در نواحی جنوبی پشتکوه (مناطق زرین‌آباد و آبدانان) تأثیرات شدید فرهنگ ایلامی را می‌توان مشاهده نمود. در قسمت‌های شمالی و مرکزی پشتکوه، آثاری مانند تپه‌های باستانی دشت ایوان با ساختار خشتی آنها، احتمالاً نشان دهنده کنترل آشوری‌ها بر این مناطق می‌باشد، بخصوص اینکه نقش برجسته صخره‌ای اشکفت گل گل که نشان دهنده نفوذ آشوری‌ها در این قسمت از ایران می‌باشد، در جریان بررسیهای باستان شناسی هیئت بلژیکی کشف گردید (Vanden Bergh, 1973: 209).

موقعیت نقش برجسته

نقش برجسته صخره‌ای اشکفت گل گل در موقعیت ۲۹/۵۹۴: ۴۶ طول جغرافیایی و ۲۸/۹۸۴: ۳۳ عرض جغرافیایی و ارتفاع ۱۱۲۶ متری از سطح دریا، در فاصله حدوداً ۸۰ متری شمال شرق روستای گل گل علیا واقع است. این روستا در فاصله ۲۵ کیلومتری جنوب شهر ایلام قرار دارد. روستای گل گل علیا از توابع دهستان گچی محسوب می‌گردد. این روستا از گروه روستاهای

یکی از عوارض طبیعی بسیار مهم منطقه غرب ایران سلسله ارتفاعات عظیم کبیرکوه می‌باشد که در استان ایلام واقع است. سلسله ارتفاعات و کوههای این استان جزء زاگرس مرکزی ایران محسوب می‌شوند. زاگرس مرکزی که در حقیقت باید آن را ارتفاعات بین دو جلگه کرمانشاه و شیراز دانست، از رشته‌های متعدد موازی با پهنای ۶۰۰-۲۰۰ کیلومتر تشکیل یافته است. زاگرس مرکزی مانند البرز میانی مشتمل بر بسیاری قله بلند است که بیش از ۳۰۰۰ متر ارتفاع دارند و در بیشتر ایام سال در زیر پوششی از برف مستور می‌باشند. غالب این کوهها پوشیده از بلوط و نارون بوده و دامنه‌های آنها چراگاههای وسیع و محل ییلاق ایلات و عشایر کرد، لر و بختیاری می‌باشد (بدیعی، ج ۱، ۱۳۷۰: ۵۰-۴۹). رشته کوه کبیرکوه بزرگترین و منظم‌ترین ارتفاعات استان ایلام است که تقریباً ۱۶۰ کیلومتر طول دارد و از حوالی جنوب شهر ایلام چون دیواره‌ای بلند و نفوذناپذیر در جهت شمال غربی به جنوب شرقی امتداد می‌یابد. در ساحل راست رود کرخه از ارتفاع آن کاسته شده و به زمینهای هموار تبدیل می‌شود. بلندترین نقطه این کوه، قله کان صیفی با ارتفاع ۳۰۵۰ متر از سطح دریا، در محل به اسم ورزرین است. در دو طرف کبیرکوه سرچشمه تعداد زیادی از رودهای دایمی و فصلی وجود دارد که رودهای نیمه شرقی به سمت رودخانه سیمره و رودهای نیمه غربی به طرف کشور عراق جاری هستند (جغرافیای استان ایلام، ۱۳۷۸: ۲).

کبیرکوه استان ایلام و نواحی از استان لرستان را به دو قسمت پشتکوه و پیشکوه تقسیم کرده است. ناحیه غربی و جنوب آن به نام پشتکوه و منطقه شرقی آن که شامل قسمتی از غرب استان

می‌پیوندند. رودخانه کنجان چم دارای سرشاخه‌های متعددی است. این رودخانه در نزدیکی مهران به رود گاوی می‌پیوندد که رود گاوی نیز پس از ورود به خاک کشور عراق، به رودخانه دجله می‌ریزد (افشار سیستانی، ۱۳۷۲: ۵۵).

بطور کلی بایستی یادآوری نمود که نقش برجسته صخره‌ای اشکفت گل گل هم از راههای اصلی امروزی که از میان زاگرس می‌گذرند به دور است و هم در مسیر راههای مهمتری که رفت و آمد در جهت شمال غربی- جنوب شرقی زاگرس از طریق آنها ممکن است، قرار نگرفته است. از سوی دیگر اثر مذکور حتی در کنار مسیرهایی که مناطق پست غربی و جنوب غربی را به مناطق کوهستانی مربوط می‌سازد، واقع نشده است (Grayson and Levine, 1975: 29). یعنی در حقیقت این اثر در یک موقعیت پرت واقع شده است.

توصیف نقش برجسته

برای ایجاد نقش برجسته ابتدا یک تورفتگی کم عمق مستطیل شکل در سطح دیواره صخره‌ای ایجاد نموده‌اند، که به ابعاد ۱۲۸cm ارتفاع و ۸۲cm عرض در سمت پائین است. قسمت بالای این تورفتگی طاقچه مانند، قوس‌دار می‌باشد و شبیه سنگ یادمانهای راستگوشه شاهی از دوره آشور جدید بوده که بالای آنها هلالی شکل است. بطور کلی می‌توان گفت که نقش برجسته از سه قسمت مرتبط با هم تشکیل شده است:

۱- تصویر پادشاهی سرتا پا نیم‌رخ که با گارد ویژه‌ای که حالت عدم تحرک در آن دیده می‌شود، در حالت نیایش در برابر نماد خدایان مهم مجمع خدایان آشوری قرار گرفته است. پادشاه به شکل ایستاده بوده که به سمت چپ خودش خیره شده

کوهستانی- جنگلی به حساب می‌آید که دارای ۵ خانوار است که حدود ۳۰ نفر در آن سکونت دارند. دهستان گچی یکی از دهستانهای بخش ارکوازی (یا ملکشاهی) می‌باشد. شهرستان مهران با سه بخش ارکوازی، صالح آباد و مرکزی و نیز ۵ دهستان، یکی از شهرستانهای استان ایلام است که در غرب این استان واقع است (مرکز آمار ایران، ۱۳۷۶: صص یازده و ۱۶). شهرستان مهران از شمال با شهرستان ایلام، از شرق با شهرستان دره‌شهر، از جنوب و جنوب شرق با شهرستان دهلران و از غرب با کشور عراق هم مرز است (نقشه شماره ۱).

مسیر دسترسی به نقش برجسته صخره‌ای اشکفت گل گل، از طریق جاده آسفالت کوهستانی می‌باشد که از جاده ارتباطی ایلام- دره‌شهر منشعب شده و پس از عبور از روستای گل گل علیا، به سمت مرکز بخش ارکوازی امتداد می‌یابد. در ضلع شمال شرقی روستای گل گل علیا تنگه‌ای واقع است که به دامنه‌های جنوب غربی کبیرکوه منتهی می‌گردد. نقش برجسته مورد مطالعه در ابتدای تنگه و بر روی سینه صخره‌ای دامنه غربی تنگه حجاری گردیده است. ارتفاع دیواره صخره‌ای این قسمت از تنگه به حدود ۲۰ متر می‌رسد. نقش برجسته در ارتفاع حدوداً ۲ متری صخره‌ها واقع است. این دیواره صخره‌ای در ارتفاع بالا به شکل یک برآمدگی، در حدود ۵ متر به سمت بیرون پیش آمده است و حالت اشکفت ماندنی ایجاد شده و همین مسأله موجب نامیدن این محل به نام «اشکفت گل گل» گردیده است. ارتفاع نقش برجسته نسبت به کف تنگه در حدود ۱۸ متر است.

از میان تنگه و از مجاور نقش برجسته، نهر آبی می‌گذرد که از دامنه‌های کبیرکوه سرچشمه گرفته است. این نهر آب که به نام گلال گل گل معروف است، در نهایت به رودخانه کنجان چم

شود که سه گوی کروی کوچک روی آن قرار دارد. علاوه بر دو سمبل مذکور، بقایای یک شیء دیگری نیز در مقابل چهره پادشاه دیده می‌شود.

نقش برجسته صخره‌ای اشکفت گل گل دارای برجستگی اندکی است و در واقع کوشش بسیار کمی برای برجسته نشان دادن طرح‌ها و نقوش صورت گرفته است. هنرمندان آشوری چه در دوران آشور میانی و چه در عصر امپراتوری در خلق آثار نقش برجسته خویش صرفاً از شیوه خطی استفاده می‌کردند. برای آنها نقش برجسته در واقع یک هنر دو بعدی بود که بر سطح سنگ به کار بسته می‌شد و هنرمند در ساختن آن از اصول نقاشی و کنده‌کاری سود می‌جست، و در نتیجه به جنبه شکل بخشی و تجسمی آن بی توجه بود. بنابراین نقوش برجسته آشوری هیچگاه از حد یک هنر دو بعدی تجاوز نمی‌کرد. آنها برای نشان دادن جزئیات اعضای بدن و لباس از خطوط کنده استفاده می‌کردند. حتی در مجسمه‌های آزاد نیز همه جزئیات لباس را به تقلید از نقش برجسته با خطوط کنده نشان می‌دادند، زیرا مهمترین هدف برای هنرمند پیکرساز، ساختار صحنه و ترکیب آنها با یکدیگر بود (مجیدزاده، ج ۳، ۱۳۸۰: ۱۸۹).

از دیگر موضوعات قابل اشاره در مورد این اثر، تخریب قسمتهایی از آن بعلت فرسایش طبیعی می‌باشد. از یک طرف وضعیت آب و هوایی و رطوبت بالای منطقه، گذر نهر آب گلال گل و نشت آب از سینه صخره‌ها و از سوی دیگر تابش مستقیم نور خورشید به هنگام طلوع، موجب تباه شدن لایه‌های سطحی دیواره صخره‌ای نقش برجسته و ریخته شدن این لایه‌ها به شکل تکه‌های بسیار ریز شده است که نتیجتاً قسمتهای زیادی از نقش برجسته شامل قسمتهایی از کتیبه

است. جامه ساده بلندی به تن دارد و مسلح به شمشیری است. پای راست در جلو و پای چپ عقب‌تر قرار گرفته و به نظر می‌رسد که پاها برهنه‌اند.

تصویر کلاه ساده‌ای به سر دارد که تا بالای گوش‌ها را دربر گرفته است. این کلاه از نوع کلاههایی می‌باشد که «کلاه دو قسمتی استوانه‌ای- مخروطی» خوانده می‌شوند. پادشاهان آشوری از آشور ناصریال اول (۱) به بعد از کلاه دو قسمتی استوانه‌ای- مخروطی آشوری و بابلی استفاده می‌کردند (مجیدزاده، ج ۳، ۱۳۸۰: ۱۷۱). گیسوان پادشاه مرتب و شکل بوده که در پشت گردن و از زیر کلاه وی آویزان است. در اثر فرسایش طبیعی دیواره صخره‌ای، یکی از دستان پادشاه بطور کامل از ناحیه شانه تخریب شده است. انگشتان دست دیگرش نیز تا حدودی تخریب شده، با این حال آثار یک شیء را که در دست گرفته، قابل مشاهده است.

۲- قسمت دوم این اثر، کتیبه‌ای به خط میخی می‌باشد که تقریباً سرتاسر نقش برجسته را دربر گرفته است.

۳- در زیر قوس بالای نقش برجسته و بالای کتیبه، هم در پشت سر و هم در مقابل سر پادشاه، چند نماد مذهبی حجاری شده است. در پشت سر پادشاه و در قسمت بالا، بقایای چهار گوی کروی دیده می‌شود که بنظر می‌رسد تعداد آنها بیشتر از این بوده که در اثر فرسایش تخریب شده‌اند. در زیر گوی‌ها، حلقه‌ای مشاهده می‌گردد که درون آن هلال ماه نو به شکل واضحی قابل رؤیت است. در سمت چپ هلال ماه، تکه‌ای از یک نماد دیگر دیده می‌شود که قابل تشخیص نیست.

در مقابل چهره پادشاه نیز دو نماد مذهبی دیگر دیده می‌شود که در سمت چپ یک دیسک بالدار و در سمت راست نیز یک تاج مشاهده می-

مرسوم آشوریها، آنچه مشاهده می‌گردد دست چپ است که در حال گرفتن یک گرز به چنگ، کف دست به سمت بیننده نگه داشته شده است. نوار افقی بر روی بدن پادشاه، ساعد راست او نیست، بلکه یک کمر بند عریض است و در واقع بازوی راست تصویر در اثر فرسایش تخریب شده است. با اینحال یقیناً بازوی راست پادشاه به همراه دستش نیز مطابق سنت مرسوم آشوریها، می‌بایستی به سمت بالا و به سوی جلوی چهره پادشاه خم شده باشد و در حقیقت آثاری از حجاری که در جلوی چهره پادشاه وجود دارد، احتمالاً قسمت باقیمانده از یک شیء باشد که در اینجا نیز آن شیء را در یک ژست معمول با دست به سمت بالا گرفته است. این حالت به وسیله پادشاهان بیشمار در حالت عبادت نشان داده شده است. بقایای شیء حجاری شده در مقابل بینی پادشاه در اشکفت گل گل، یک شیء زاویه‌دار را نشان می‌دهد که به مانند یک قیف بستنی یخی به سمت پائین باریک می‌شود. شیء مذکور نمی‌تواند قسمتی از دست راست تصویر باشد، ولی خیلی شبیه شیء گرفته شده در دست بوسیله اسارهادون (۳) می‌باشد که بر روی استل‌های که ما بین سالهای ۶۶۹-۶۷۱ ق.م. ساخته شده، ظاهر می‌گردد. موقعیت شیء مذکور نسبت به بینی پادشاه نیز با تصاویر روی استل‌های اسارهادون قابل مقایسه است (Reade, 1977: 33-34 and 35).

گرایسون و لوین فقط در مورد سمبل‌های مذهبی پشت سر پادشاه اظهار نظر نموده‌اند و معتقدند که گوی‌های کروی که به شکل برجسته در پشت سر پادشاه و در قسمت بالا حجاری شده، نماد هفت گوی سیبی تی یا سبتو (۴) و در زیر آنها هلال ماه نو سمبل سین (۵) است. همچنین بقایای علامت حجاری شده‌ای که در سمت چپ

و تصویر پادشاه و سمبل‌های مذهبی، تخریب شده‌اند (تصاویر ۱ و ۲ و طرح ۱).

واندنبرگ پس از کشف نقش برجسته، از لوئیس لوین دعوت بعمل می‌آورد تا با مطالعه این اثر؛ کتیبه آن را ترجمه و منتشر نماید. لوین نیز از گرایسون درخواست می‌کند تا ایشان را در جریان کار یاری نماید (Grayson and Levine, 1975: 29). بعد از انتشار نتایج مطالعات گرایسون و لوین؛ جولیان رید (Reade, 1977: 33-44) و واندراسپیک (Van Der spek, 1977: 45-47) نیز مطالعاتی در مورد این اثر انجام داده و نتایج آنرا منتشر نمودند.

شکل مستطیل با قوسی در بالای آن که یک چارچوب استاندارد برای چنین یادمانهایی محسوب می‌گردد، در اواخر دوره آشور جدید به شکل ایده‌آلی هم برای نقش برجسته‌های صخره‌ای و هم برای ساخت استل (۲)ها در می‌آید (Grayson and Levine, 1975: 29-30).

به نظر گرایسون و لوین دست چپ پادشاه است که در اثر فرسایش طبیعی کاملاً تخریب گشته و پادشاه چیزی را که شبیه یک گرز به نظر می‌رسد، در دست راست گرفته است و بقایای یک شیء که در مقابل دهان پادشاه به سختی قابل تشخیص است، ممکن است بقایای چیزی باشد که از دست چپ پادشاه باقیمانده است، که در جلوی صورت خود با یک گارد ویژه آنرا نگه داشته است. یک احتمال دیگر این است که احتمالاً این شیء بقایای قسمتی از ردیف دوم سمبل‌های مذهبی باشد که در مقابل چهره پادشاه برجای مانده است. از این میان احتمال اولی بیشتر است، با وجود این، بقایای شیء مذکور به سختی قابل تشخیص است (ibid: 32). در مقابل، جولیان رید معتقد است که این دست چپ تصویر است که در جلوی میانه کمرش نشان داده شده، و مطابق سنت

ترجمه کتیبه

کتیبه نقش برجسته صخره‌ای اشکفت گل گل در ۳۶ خط نوشته شده که متأسفانه قسمتهایی از کتیبه به خصوص در خطوط ۸-۴ و ۲۳-۱۸ تخریب شده است. متن نوشته به خوبی تراشیده شده، با وجود این به زیبایی یادمانهای شاهی بهتر نیست. کتیبه از لحاظ گونه شناسی، همان فرمی است که برای کتیبه‌های سنگی شاهی دوره آشور جدید بکار رفته است. مشخصه بارز آن استفاده از اشکال بابلی به جای اشکال آشوری برای برخی علائم خاص می‌باشد. این پدیده را می‌توان در کتیبه‌های سناخریب (۱۰)، اسارهادون و آشور بنی پال (۱۱) مشاهده نمود. متن کتیبه به دقت ترکیب یافته است. تنها یک اشتباه کتابتی در متن دیده می‌شود. شکل ادبی کتیبه از لحاظ گونه‌شناسی همان شکلی است که در متون هدایی آشور جدید استفاده شده است. کتیبه با اهداء به آشور و خدایان بزرگ آغاز می‌گردد. پس از آن وارد موضوع بحث می‌شود. به ترتیب نام پادشاه، نام اجدادش و القابش ذکر می‌شود. در ادامه روئیدادهایی را که باعث تهیه کتیبه شده، توصیف می‌کند و همینطور نوع لشکرکشی را، متأسفانه این قسمت بطور کامل از بین رفته است. کتیبه به نتایجی می‌رسد که انتظار آنرا داشته است و ... نه تنها نام پادشاه، بلکه همچنین نام اجدادش از بین رفته است. بدین ترتیب سازنده این اثر ناشناخته می‌ماند. ترجمه کتیبه به شرح ذیل است:

(به آشور و خدایان [بزرگ] که در کنار شاه برگزیده آنها ایستاده، و مضمحل نموده [سرزمین] دشمنانش را؛ [.....] شاه جهان، [.....] پسر [.....] آشور، پدر خدایان] مرا برگزید [برای پادشاهی در رحم مادرم] [انلیل مرا برای

هلال ماه قرار دارد، احتمالاً صفحه خورشید است (Grayson and Levine, 1975: 31).

با این حال جولیان رید سمبل‌های مذهبی حجاری شده در قسمت فوقانی نقش برجسته صخره‌ای اشکفت گل گل را بطور کامل مورد بررسی قرار داده است. به نظر ایشان نیز حلقه‌ای که درون آن هلال ماه نو به شکل واضحی حجاری شده، نشان ویژه سین یا الهه ماه و هفت حلقه برجسته نشان ویژه سبتو است؛ لیکن بقایای سمبل حجاری شده‌ای که در سمت چپ هلال ماه قرار دارد و مطمئناً می‌توان آنرا به شکل حلقه‌ای که درون آن ستاره‌ای واقع است، بازسازی نمود؛ نشان دهنده الهه ایشتار (۶) ستاره بخت است.

در حقیقت ایشتار یکی از بزرگترین الهه‌های آشوری است، که مکرراً در نیایش‌های روی استل‌ها از او نام برده شده است و ستاره نه تنها یکی از نمادهای اوست، بلکه همچنین مناسب‌ترین سمبل مورد استفاده برای او است. با وجود اینکه علامت دیسک بالداری که یکی از سمبل‌های حجاری شده در مقابل چهره پادشاه است، بعنوان نماد و سمبل خیلی از خدایان آشوری به کار رفته، جولیان رید با بررسی‌هایی که بعمل آورده معتقد است که در اینجا دیسک بالداری نماد شمش (۷) خدای خورشید است. تاج شاخدار یکی از سمبل‌های مذهبی بابلی است که احتمالاً با حذف شاخ‌ها، هویت آشوری می‌یابد. این سمبل در برخی از موارد می‌تواند یکی از خدایان بزرگ بابلی یعنی انلیل (۸) یا آنو (۹) را نشان دهد؛ اما وقتی که این سمبل بر روی یکی از یادمانهای آشوری ظاهر می‌گردد، از خدای بزرگ آشور یاری می‌طلبد (Reade, 1977: 37-38).

نامشخص است، زیرا همانطوریکه پیشتر نیز اشاره گردید، آن قسمت از کتیبه که به نام پادشاه سازنده این اثر و اجداد او اشاره نموده، تخریب گردیده است، به همین علت تلاشهای زیادی درخصوص شناسایی سازنده این اثر انجام شده و در این راستا از یکسو مقایسات متعدد شمایل نگاری، ترتیب جمله‌بندی متن کتیبه و ترتیب و شکل سمبلهای مذهبی حجاری شده در اشکفت گل گل انجام گرفته و از طرف دیگر مسیر لشکرکشیهای پادشاهان آشور جدید نیز مورد بررسی قرار گرفته تا شاید بتوان تا حدودی سازنده این اثر را شناسایی و معرفی نمود.

گرایسون و لوین در تلاش برای شناسایی نام پادشاه سازنده نقش برجسته اشکفت گل گل، گیج و متحیر شده‌اند، آنان برای یافتن نمونه یا نمونه‌های مشابه، کتیبه‌ها و نقش برجسته‌های دوره آشور جدید را از زمان ادادنراری دوم (۱۲) تا زمان آشور بنی پال بررسی نموده‌اند، از سوی دیگر لشکرکشیها و مسیر تهاجمات آشوریه را به سمت پشت کوه و جنوب غرب ایران نیز مطالعه نموده‌اند، متأسفانه در هر دو مورد به نتیجه نرسیده‌اند. نامبردگان در مطالعه کتیبه از لحاظ طرز جمله‌بندی در می‌یابند که استفاده از علائم بابلی به جای علائم آشوری در موارد خاص؛ یکی از مشخصه‌های کتیبه این نقش برجسته است. این پدیده در کتیبه‌های سناخریب، اسارهادون و آشور بنی پال ملاحظه می‌گردد؛ بر این اساس و نیز به واسطه مقایسات لغتی به این نتیجه می‌رسند که از میان تمام پادشاهان دوره آشور جدید، سه پادشاه مذکور احتمالی‌ترین کاندیداها می‌باشند که می‌توان در نظر گرفت؛ یعنی در واقع مطالعه طرز جمله‌بندی کتیبه، مدارکی را به نفع یکی از سه پادشاه متأخر (سناخریب، اسارهادون و آشور بنی پال) دوره آشور جدید، به ویژه آشور بنی پال، در

سلطنت بر زمین و مردم فرا خواند. سین (و) شمش با کمک هم شگونهای مساعد در مورد بنیان فرمانروایی من فراهم ساختند. نبو (و) مردوک به من بینش وسیع (و) درک عمیق عطا فرمودند. خدایان بزرگ از روی مرحمت در محفل خود [مرا بر روی] تخت شاهی پدرم گذاشتند. آنها حکومت بر روی زمین [و] مردم را به من محول نمودند.

شهر [.....] آنها بیرون رفتند [.....] متعلق به من [.....] روی آنرا/ او را. [ستایش] اعمالی که من انجام داده‌ام [من نوشتم] بر آن. من بر جای نهادم (این سنگنوشته را) برای مطالعه شاهان [متعلق به من] پسران در آینده.

باشد که بعدها شاهزاده‌ای در میان [شاهان] متعلق به من [پسران]، که او را آشور و خدایان بزرگ برای حکومت بر [زمین و] مردم، فراخوانند، این یادمان (و) ستایش خدایان بزرگ را ببیند؛ باشد که آنها روغن مالی کنند (آنرا) با روغن مقدس (و) برای آن قربانی دهند. اما آن کس را که آن تمثال را از جای [یگاهش] بردارد، باشد که آشور و خدایان بزرگ، مانند آنهایی را که نامشان [در] این یادمان آورده شده، با نظر خشم او را نگاه کنند؛ باشد که آنها مقاومت نکنند [در کنارش در] زد و خورد سلاحها در میدان جنگ؛ باشد که آنها او را هدایت کنند؛ باشد که آنها براندازند حکم شاهی [و] او را؛ و باشد که آنها نام او را و اجدادش را از روی زمین بردارند. (Grayson and Levine, 1975: 32-33 and 36-37).

تاریخگذاری نقش برجسته

هر چند که در تعلق نقش برجسته صخره‌ای اشکفت گل گل به دوره آشور جدید هیچ شکی وجود ندارد، با وجود این؛ سازنده این اثر یا پادشاهی که دستور به ساخت آن صادر نموده،

گل به سختی می‌تواند قدیمی‌تر از سال ۶۸۸ ق.م. باشد. موضوع دیگری که جولیان رید از لحاظ شمایل نگاری به آن می‌پردازد، جزئیات پوششی تصویر حجاری شده می‌باشد. بنظر ایشان خصوصیات ظاهری از قبیل بالاپوش ساده تن تصویر، کمر بند عریض روی کمر وی و حمایل نمودن شمشیر دلالت بر این دارند که اشکفت گل بوسیله یک فرمانده حجاری شده؛ نه یک پادشاه. نهایتاً در بحث نتیجه‌گیری چنین آورده است:

صرفنظر از سمبل‌های مذهبی، اشکفت گل از لحاظ شمایل نگاری دلالت بر این دارد که این اثر برای یک فرمانده میدانی آشوری در تاریخی جدیدتر از ۶۸۹ ق.م. حجاری شده است. تنها لشکرکشی‌های ثبت شده در ارتباط با این منطقه، همانهایی هستند که بوسیله آشور بنی پال در جریان کشمکش‌های با ایلام در سالهای ۶۴۶-۶۵۳ ق.م. راه انداخته شد. این موضوع با دو معیار تاریخگذاری ذکر شده به وسیله گرایسون و لوین مطابقت می‌کند، دو معیاری که بوسیله آنان ناتمام مانده، یکی حضور در متن اشکال نشانه‌ای بابلی است که در قرن ۷ ق.م. عمومیت می‌یابد، دیگری از لحاظ مقایسات لغتی و مطالعه طرز جمله‌بندی بود، که بیشترین تشابهات بین کتیبه اشکفت گل و کتیبه‌های آشور بنی پال وجود دارد. بنابراین در حالی که این اثر ممکن است برای دیگر پادشاهان قرن ۷ ق.م. حجاری شده باشد، در حال حاضر تمام مدارک در دسترس به زمان سلطنت آشور بنی پال نزدیک می‌شوند (ibid: 33-36 and 42-43). در اینجا بایستی یادآوری نمود که در مقابل دلایلی که جولیان رید برای نسبت دادن این اثر به یک فرمانده محلی ارائه نموده است، دلایل محکمی وجود دارد مانند نوع کلاهی که حجاری گردیده و نوع کتیبه؛ که انتساب این اثر را

اختیار قرار می‌دهد. (Grayson and Levine, 1975: 31-34).

جولیان رید برای شناسایی سازنده این اثر تلاش خود را بر مطالعات شمایل نگاری و نیز مطالعه ترتیب و شکل و نوع سمبل‌های مذهبی متمرکز نموده است. در ابتدا به شناسایی و معرفی سمبل‌های مذهبی حجاری شده بر روی نقش برجسته اشکفت گل می‌پردازد. سپس به معرفی خدایان مهم آشوری و سمبل‌های مورد استفاده بعنوان نماد آنها می‌پردازد. پس از آن نموداری از استل‌ها و نقش برجسته‌های مکشوفه آشوری را ارائه می‌دهد و تمامی خدایان نام برده شده در کتیبه‌های این یادمان‌های تاریخی را و نیز سمبل‌های مذهبی حجاری شده بر روی آنها را معرفی می‌کند، بدین ترتیب تغییرات و دگرگونی‌هایی را که در زمینه چگونگی ظهور سمبل‌های مذهبی بر روی یادمان‌های تاریخی عصر آشور جدید به وقوع پیوسته، دقیقاً مورد بررسی قرار می‌دهد؛ با وجود این در زمینه موضوع اصلی تحقیق که هدف آن شناسایی سازنده این اثر است به نتیجه خاصی نمی‌رسد (Reade, 1977: 37-42). نامبرده در مطالعات شمایل نگاری ابتدا سبک موی سر پادشاه را بررسی می‌کند که به شکل طره موی چهارگوش، آراسته و مرتب شده‌اند و قدیمی‌ترین تاریخ برای ظهور این مدل مو را به حدود ۷۰۷ ق.م. تاریخگذاری می‌کند؛ در حالی که آراستگی بسیار بالای طره مو بتدریج به سمت قرن ۷ ق.م. پیش می‌رود. سپس حالت بلند نمودن دست راست را به سمت چهره، که یکی از ژست‌های مرسوم است که توسط پادشاهان بیشماری در حالت نیایش به کار رفته است، مورد بررسی دقیق قرار داده و به مطالعه تغییرات و دگرگونی‌هایی که در این ژست ایجاد شده پرداخته است و بر این اساس ذکر می‌کند که اشکفت گل

هنری، مذهبی، ادبی و سیاسی است. این اثر علاوه بر اینکه یکسری وقایع، رویدادها، نشان‌ها و نمادها را از ادوار گذشته تاکنون بر سینه خود ثبت و جاودان نموده، نشان دهنده نفوذ تأثیرات هنر آشوری تا دامنه‌های کبیرکوه می‌باشد. در واقع در منطقه پشتکوه که مشرف بر منطقه بین-النهرین است، شاهد حضور همزمان فرهنگهای متعددی در هزاره اول ق.م. هستیم، این در حالی است که دیواره عظیم کبیرکوه همچون سدی از نفوذ برخی فرهنگها به داخل برخی مناطق پیشکوه مانند دره سیمره ممانعت بعمل آورده است (۱۴).

یادداشتها:

- 1- Ashurnasir pal I (1050- 1032 B.C)
- 2- Stela or Stele سنگ یادمان
- 3- Esarhaddon (680-669 B.C)
- 4- Seven balls of خدایان هفتگانه جنگاور
the Sibitti or Sebettu (
- 5- Sin
- 6- Ishtar
- 7- Shamash
- 8- Enlil
- 9- Anu
- 10- Sennacherib (704-681 B.C)
- 11- Ashurbanipal (668- 627 B.C)
- 12- Adad-nerari II (911- 891 B.C)
- 13- Sargon II (721- 705 B.C)

۱۴- از خانم لیلی سرابی به خاطر تهیه طرح نقش برجسته صخره‌ای اشکفت گل گل صمیمانه تشکر می‌گردد.

فهرست منابع:

- افشار سیستانی، ایرج، ۱۳۷۲، ایلام و تمدن دیرینه آن، چاپ اول، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

به یکی از پادشاهان دوره آشور جدید تقویت می‌نماید.

واندرا اسپیک مطالعه خود را در زمینه شناسایی سازنده نقش برجسته اشکفت گل گل بر مقایسات لغتی و مطالعه طرز جمله‌بندی کتیبه متمرکز نموده است و جهت تکمیل بحث به مطالعه مسیر لشکرکشیهای پادشاهان آشور جدید نیز پرداخته است. در ابتدا بحث به دو دلیل نام پادشاهان اوایل دوره آشور جدید را از موضوع مورد مطالعه حذف می‌نماید: اولاً اینکه شکل ثبت نام «خدای آشور» که در خطوط ۲۶ و ۳۰ کتیبه آمده، برای اولین بار در زمان سارگن دوم (۱۳) ظاهر می‌شود و سپس در زمان جانشینانش بیشتر تکرار می‌شود. بر این اساس پادشاهان قبل از سارگن حذف می‌گردند. دوماً اینکه سارگن و سناخریب هرگز به اجداد و تبارشان اشاره نکرده‌اند و هرگز در کتیبه‌های شاهی رسمی در مورد پدرانشان صحبت نکرده‌اند، بر عکس آنچه را که در خط ۱۶ کتیبه اشکفت گل گل آمده است. بنابراین اسارهادون، آشور بنی پال و به احتمال کمتر پادشاهان آشوری متأخرتر در بحث باقی می‌مانند.

واندرا اسپیک در ادامه مطالعه خود در زمینه طرز جمله‌بندی کتیبه‌های پادشاهان آشور جدید، مدارک چندی را به نفع اسارهادون یکی از دو پادشاه بزرگ اواخر دوره آشور جدید (دیگر پادشاه بزرگ ایندوره آشور بنی پال می‌باشد) ارائه می‌دهد؛ با وجود این، احتمال اینکه آشور بنی پال دستور ساخت این اثر را داده باشد، را رد نمی‌کند (Van Derspek, 1977: 45-47).

نتیجه‌گیری

نقش برجسته صخره‌ای اشکفت گل گل یکی از آثار مهم تاریخی- فرهنگی منطقه پشتکوه محسوب می‌گردد که حاوی اطلاعات مهم تاریخ،

- مجیدزاده، یوسف، ۱۳۸۰، تاریخ و تمدن بین‌النهرین، ج سوم، هنر و معماری، چاپ اول، مرکز نشر دانشگاهی.

- نهجیری، عبدالحسین، ۱۳۷۰، جغرافیای تاریخی شهرها، چاپ اول، تهران، انتشارات مدرسه.

Grayson, A.k and Levine, Louis. D., 1975, "The Assyrian relief from Shikaft- I Gulgul". *Iranica Antiqua*, XI: 29-39.

Reade, J.E., 1977, "Shikaft- I Gulgul: Its date and symbolism", *Iranica Antiqua*, XII: 33-45.

Vanden Berghe. L., 1973, "Pusht - I Kuh, Luristan (Plates XIII and XIV a)", *Iran*, XI: 207-209.

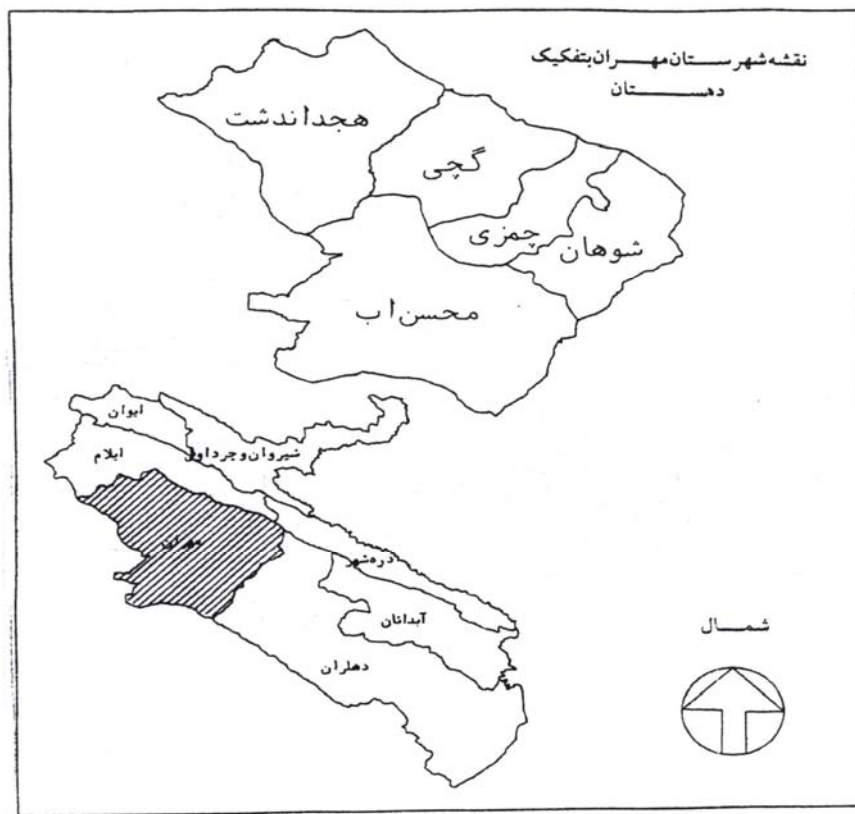
VanDer Spek, R.J., 1977, "The Assyrian royal rock inscription from Shikaft- I Gulgul", *Iranica Antiqua*, XII: 45-47.

- بدیعی، ربیع، ۱۳۷۰، جغرافیای مفصل ایران، ج اول، جغرافیای طبیعی، چاپ اول، انتشارات اقبال.

- جغرافیای استان ایلام، ۱۳۷۸، تهران، شرکت چاپ و نشر کتابهای درسی.

- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان ایلام، ۱۳۸۲، سالنامه آماری استان ایلام - ۱۳۸۱، معاونت اطلاعات و آمار.

- مرکز آمار ایران، ۱۳۷۶، سرشماری عمومی نفوس و مسکن - ۱۳۷۵، شناسنامه آبادیهای کشور، استان ایلام، شهرستان مهران، چاپخانه مرکز آمار ایران.



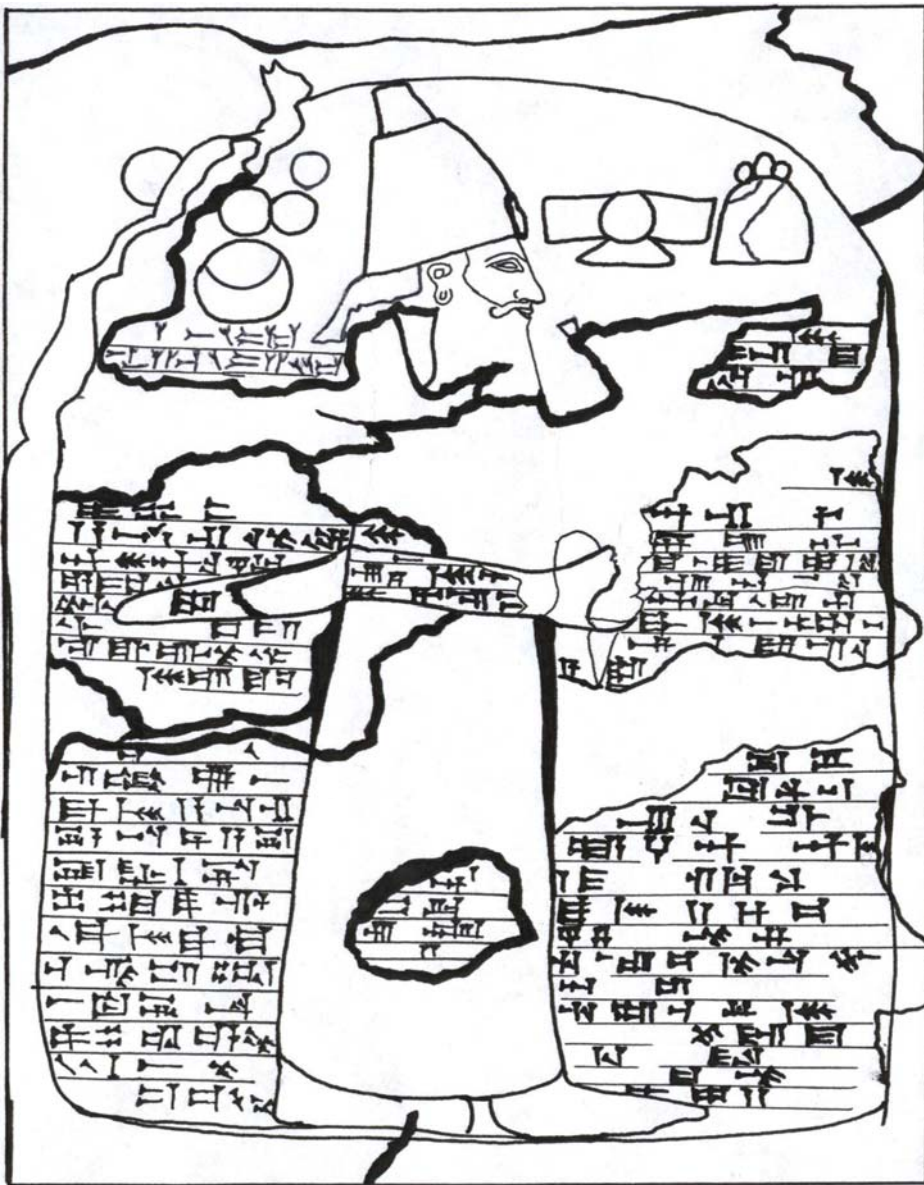
• شهرستان مهران و دهستانهای آن (منبع: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان ایلام، ۱۳۸۲، ص



نقش برجسته صخره‌اشکفت گل: دید از شمال شرق



تصویر نقش برجسته صخره‌اشکفت گل گل منبع (Reade, 1977: p11)



طرح نقش برجسته صخره اشکفت گل گل